

YOU READ IN THIS ISSUE

علم گهشده "علوم سیاسی"

پاسداشت قلم در محضر شرافتمندی - حرف مفت زن ها - روشنفکر کیست - جنبش دانشجویی - نیویورک تایمز - نهضت حسینی



جنبش ---- دانشجویی به عبارتی رک ترین و صریح ترین جنبش اجتماعی است که بدون کمترین محافظه کاری نسبت به دیگر اقدار و اصناف جامعه سخنش را بیان می کند. این صراحت کلام هرگز در میان بدنه ی جوامع پیشرفته دیده نمی شود. استقلال از دولت ها شاید ویژگی دیگری باشد که مد نظر است. دانشجویان وابسته ی دولت ها نیستند و از آنها خط نمی گیرند.



پرسشگری به معنای کسبناهی ---- نیست، مطالبه گری برای تخریب و انتقام و تسویه حساب شخصی نیست، کنجکاوی فضولی نیست، انتقاد برای برافکندن بنیان های موجود نیست، اصرار و پافشاری ناشی از منافع فردی و بانندی نیست، پیگیری و سوال برای دانستن حقیقت است نه برای می گیری و به محکمه بردن.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

"متهم"

گر خوانم‌ش قیامت دنیا بعید نیست

این رستخیز عام که نامش محرم است

POLITICAL SCIENCE SCIENTIFIC ASSOCIATION

SCIENTIFIC, POLITICAL, SOCIAL AND CULTURAL JOURNAL "ACCUSED" / THIRD WEEK OF AUGUST 1402 / NUMBER TWO

- LICENSEE: SCIENTIFIC ASSOCIATION OF POLITICAL SCIENCES- ISLAMIC AZAD UNIVERSITY- MASHHAD BRANCH

گاهنامه علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی "متهم" / هفته سوم مرداد ۱۴۰۲ / سال اول - شماره دو - صفحه ۲

علم گمشده "علوم سیاسی"

همه این جمله را باور داریم که تحصیلات ربطی به فهم فرد ندارد، اما تحصیلات ربط مستقیم با هویت افراد دارد، زیرا در تمام فرم هایی که پر می کنیم فیلدی در تمام فرم هایی که پر می کنیم فیلدی ستاره دار به نام تحصیلات وجود دارد. ستاره دار به نام تحصیلات وجود دارد، زیرا من دانشجوی روزارد نیستم و هرگز در کلاس هایمان، توسط رئیس جمهور باز نمی شود.

اولین بار که به فکر نوشتن این یادداشت افتادم در حال تماشای مصاحبه ی سارا ابوشار بودم. دانشجوی اهل سوریه که سخنرانی فارغ التحصیلی اش را نطق می کرد و گفت اولین بار که در کلاسی نشسته بودم استاد از ما سوالی پرسید و من به عنوان داوطلب دستم را بلند کردم همان لحظه در باز شد و استاد رو به من گفت: حالا جواب این سوال را به رئیس جمهور بگو. به این فکر کردم که چقدر احتمال دارد به عنوان کسی که شیفته ی سیاست است روزی دستم را بلند کنم تا پاسخم را به رئیس جمهور بگویم. خب تا جایی که پای منلق در میان است احتمالش صفر است، زیرا من دانشجوی روزارد نیستم و هرگز در کلاس هایمان، توسط رئیس جمهور باز نمی شود.
علوم سیاسی و هویت: همه این جمله را باور داریم که تحصیلات ربطی به فهم فرد ندارد، اما تحصیلات ربط مستقیم با هویت افراد دارد، زیرا در تمام فرم هایی که پر می کنیم فیلدی ستاره دار به نام تحصیلات وجود دارد. هر چند این بخش از هویت، کامل در دوران دانشجویی شکل نمی گیرد.اما در نظر می گیریم که دانشجوی حقوق یا مهندسی و یا هنر هویت تقریبا مشخصی دارد اما در حوزه ی علوم سیاسی چنین هویت ناکاملی وجود دارد؟ و فارغ التحصیل علوم سیاسی سفیر خواهد شد یا کارشناس؟ در مجلس راه خواهد یافت یا استدلال های جامعه شناسی و سیاسی اش را در ماشین برای افراد بیان خواهد کرد؟ یک کشنگر سیاسی خواهد شد یا یک فعال رسانه ای؟ و هیچ جواب حداقل پنجاه درصدی برای این سوال وجود ندارد. علم سیاست امروزه در کشور ما به عنوان تخصص درنظر گرفته نمی شود و این جمله گرچه بی رحمانه یا افراطی اما حقیقت است. زیرا مثال نقض افرادی که موفق در حوزه های سیاسی بوده اما تخصص سیاسی نداشته این باور را قبولانده که سیاست تخصص نمی خواهد و وجود متخصصان علوم سیاسی در برخی حیطه های سیاست الزامی نیست. و در نهایت از دانشجوی علوم سیاسی هویت زدایی شده، به همان دلیلی که در کلاس باز نخواهد شد!
علوم سیاسی و جایگاه: در مقاله ای خوانده بودم که یکی از دلایل موفقیت غرب تمرکزش بر علوم انسانی است. نخیه های این کشورها سیاست، اقتصاد و جامعه شناسی و مدیریت می خوانند و با آنچه که به خوبی آموخته اند دانشمندان کشورهای محروم را در حوزه های مهندسی، پزشکی، و به عنوان کارمند در زمینه های مختلف استخدام می کنند تا برایشان ثبت اختراع و اعتبار بی افزایند. امروزه گرچه نسبت به قبل به تعداد داوطلبین علوم انسانی و علاقمندان به زیرشاخه هایش افزوده شده. اما همچنان جایگاه پایین تری نسبت به دیگر رشته ها دارد در نتیجه ی این طبقه بندی و ارزش گذاری اشتباه کشور مملو می شود از متخصصان و نیروی کار زیاد و مدیران کم، زیرا هم جایگاه مدیران در بالای صفحات این



طبقه بندی نیست و هم نخیه ها آموزش علوم های دیگر را دیده اند. جایگاه علوم سیاسی در مقایسه با دیگر رشته های انسانی در اواسط یا بخش رو به پایین این طبقه بندی است و این خود ناخواسته از اعتماد به نفس دانشجوی علوم سیاسی می کاهد، و این پررشن انگیز است که چرا کسانی که باید با راه و چاه چرخاندان مملکت آشنا شوند، به خوبی آن را بیاموزند تا بکار گیرند دست کم گرفته و کنار گذاشته می شوند!

ورود علوم سیاسی به ایران: گرچه قصد نداشتم در این نوشته ی کوتاه با تاریخ بازی کنم اما بد نیست نگاهی به تاریخچه ی علوم سیاسی و ورودش به ایران بیاندازیم تا ببینیم علوم سیاسی با چه شکوه وارد شده و در چه رکودی گیر افتاده است.

نخستین مدرسه ی علوم سیاسی در ۲۸ آذرماه۱۲۷۸ به دستور مظفالدین شاه ایجاد شد تا علاقمندان و واجدان شرایط در آنجا امور مملکت داری بیاموزند. و این مدرسه دومین مدرسه تخصصی بود که خود این جمله اهمیت و احساس نیاز به علوم سیاسی در آن دوره را به خوبی نشان می دهد. و علوم سیاسی دقیقا همین است یادگیری امور مملکت، سیاست شناسی و یادگیری استفاده از دانش سیاست و این عجیب است که دانشجوی علوم سیاسی همیشه با تئوری خوانی و فقط خواندن مطالب دوران دانشجویی اش را میگذراند و این اوضاع راكد برای رشته ای است که تاثیرگذار در پیشرفت و امور کشور است! پس علوم سیاسی در ابتدا رشته ای نبوده که بی توجهی یا سردنگری به آن وجود داشته باشد، در گذشته علوم سیاسی واقعا علم به شمار می رفته است.

علوم سیاسی و بحران: کلمه ی اتاق فکر را دیگر هرکس که اخبار ببیند شنیده، چند روز پیش ارندنه ی تاکسی که در حال تحلیل اوضاع کشور بود نقد و انتقاداتی هم در مورد اتاق فکر داشت. می دانیم که برای حل هربحرانی در تمام جوامع اتاق فکری شکل می گیرد و متخصصان برنامه ی حل آن را می نویسند. پس اگر جامعه را بپیکره ای آهنین در نظر بگیریم کدنویسی اعمال و رفع اشکالاتش در انجا نوشته می شود. تحصیل و توجه و اهمیت به علوم سیاسی

روشنفکر کیست

امروز گرسنگی فکر از گرسنگی نان فاجعه انگیز تر است...

روشنفکر کسی است که زمانش را حس کند، مردم را بفهمد و بفهمد چگونه اکنون باید بیندیشد و بفهمد چگونه اکنون باید مسئولیتی را حس کند و بر اساس این مسئولیت فداکاری داشته باشد.

روشنفکر به وسیله ترجمه، به وسیله مطالعه و به وسیله تقلید به وجود نمی آید، تحصیل کرده به وجود می آید دکتر و مهندس و معمار به وجود می آید ولی روشنفکر به وجود نمی آید، روشنفکر لازم نیست سواد داشته باشد، فلسفه بدانند یا فقیه باشد، فیزیک دان و شیمی دان و ادیب و مورخ و نویسنده باشد! خوب نباشد! روشنفکر باید زمانش را حس کند، مردم را بفهمد و بفهمد چگونه اکنون باید بیندیشد و بفهمد چگونه اکنون باید مسئولیتی را حس کند و بر اساس این مسئولیت فداکاری داشته باشد.

در واقع روشنفکر پیامبری است که به او وحی نمی شود، اما رسالت وحی را بر دوش دارد.

رسالت روشنفکر!

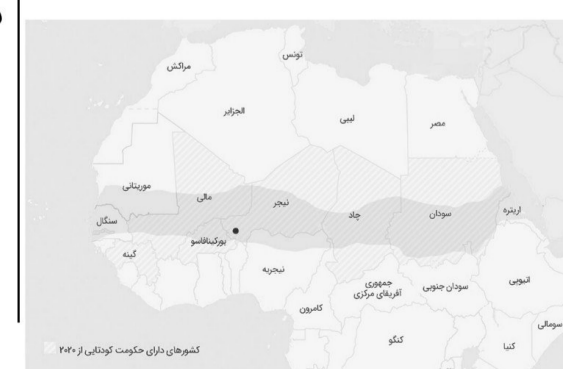
روشنفکر، رسالتش رهبری کردن سیاسی جامعه نیست. رسالت روشنفکر خودآگاهی دادن به متن جامعه است.

امروز گرسنگی فکر از گرسنگی نان فاجعه انگیز تر است...

کهربند کودتای آفریقا

سراسر قاره را دربر می گیرد:

خطی متشکل از شش کشور و ۳۵۰۰ مایل (حدود ۵۶۳۱ کیلومتر)، از ساحلی به ساحل دیگر، به طولانی ترین دالان حکومت‌نظامی روی زمین تبدیل‌شده است. «دکلان والش» در گزارش ۲۹ژوئیه در نیویورک‌تایمز نوشت: همین هفته گذشته، چیزیک نظامیان در «نیجر» واقع در آفریقای غربی، آخرین حلقه دومینو را در مجموعه‌ای از کشورهای آفریقای سی-از گینه در غرب تا سودان در شرق- ساقط کرد؛ کشورهایی که اکنون تحت کنترل خونتاهای نظامی است که از قضا همگی هم طی یکی دو سال گذشته با کودتا به قدرت رسیده‌اند.



در همین جا قابل ذکر است که وجود متخصصین سیاست شناس و جامعه شناس بیشتر یعنی داشتن متخصصین بیشتر برای رفع و حل بحران ها، و وجود متخصصین بیشتر ارتباط دو سویه دارد با حل دقیق تر، تصمیم گیری های جامع و بهتر.
علوم سیاسی و صداوسیما: دیدن متخصصان و کارشناس های حوزه های مختلف و تماشای گفتگو و مناظره هایشان اخیرا امر لذت بخشی است. و امروزه که امار کتابخوانی مردم در سطح پایینی به سر می برد، شنیدن صحبت های کارشناسان در مورد مسائل روز تا حدی مردم را آگاه میکند و کارشناس علوم سیاسی نیز می‌تواند با شناساندن حدودی از سیاست به مردم راه حل اینکه تا چه حد می‌توانند در بحران به کمک دولت بایانند را به آنها نشان دهد، یا آنچه می‌آوزند در موقعیت های بحرانی و امور مهم مثل رای دادن، تصمیم گیری احساسی و غیر منطقی نکنند و متخصص علوم سیاسی جدا از آن که میدانند در بحران چه باید کرد می‌تواند به مردم نیز بیاموزد که چه کنند زیرا همان آموزش کم و تماشای تحلیل های درست می‌تواند خطای تصمیم گیری را کاهش دهد و در صدا و سیما جای برنامه ای مخصوص به شناخت سیاست و حضور دانش اموختگان سیاست خالی است.

علوم سیاسی در دانشگاه: و رسیدیم به آخرین بخش صحبت در مورد علوم سیاسی در دانشگاه ها. اگر بگویم علوم سیاسی در دانشگاه ها مخصوصا دانشگاهایی که رتبه ی بالایی ندارند جدی گرفته نمیشود بی راه خواهد بود زیرا مهمترین سند این ادعا این است که خود من نیز اکنون دانشجوی این رشته هستم. علوم سیاسی در دانشگاه هویتی نصفه و نیم و جایگاهی تنزل یافته دارد همینطور تعداد داوطلبان پایین. بخش زیاد یا تمام آنچه دانشجویان علوم سیاسی می‌آوزند تئوری است. خواندن کتاب های فلسفه و تاریخ و سیاست که گاها قطرانند یا جزوه ای صد صفحه ای که خود استاد نوشته. چند روز پیش که تمام شب را با اخبار خواندن و تحلیلات توییت می‌گذراندم صبح وقتی وارد کلاس شدم مطمئن بودم که استاد قرار است اوضاع روسیه را تحلیل کند نظرش در مورد واکنر را بیان کند و از ما هم اظهار نظر خواهد و او تنها گفت:

حرف مفت زن ها

اگر از من بپرسید می گویم نسل این انسان ها از میمون نیست، ریشه این انسان ها را باید در طوطی پیدا کرد مزخرف گو و حرف مفت زن...

در اولین صفحه کتاب نوشته شده بود، به همه آنهایی که حرفی برای گفتن ندارند، اما حرف مفت هم نمی زنند.

عجب جمله ای! و چقدر زیاد پیش آمده که همه ما حرفی برای گفتن نداشته‌ایم اما برای ابراز وجود سعی کرده ایم حرفی را بزنیم که در تخصصمان نیست. بی آنکه متوجه شویم حرفمان حرف مفت است.

البته مخاطبمان در این یادداشت یک گروه خاص است، ”حرف مفت زن های سیاسی“ از نمایندگان مجلس تا دانشجویان، از پزشک تا رانندگان تاکسی و به خصوص سلبریتی ها که مقام اول را در رتبه بندی حرف مفت زنن به دست می آورند. همانطور که کارلوس روئیت میگوید، بعضی آدم‌ها زیاد حرف می‌زنند، اگر از من بپرسید می‌گویم نسل این انسان ها از میمون نیست، ریشه این انسان ها را باید در طوطی پیدا کرد مزخرف گو و حرف مفت زن...

حرف مفت زمانی به وجود می آید که صاحب سخن در واقع حرف ارزشمندی برای گفتن ندارد، اما به دلیل اینکه نمی‌خواهد در بین دیگران به فراموشی سپرده شود خودش را ملمز می‌داند که نظر بدهد و اکثراً هم برایش اهمیتی ندارد که حرفی که می‌زند حرف مفت است، او فقط به دنبال دیده شدن است، همانند تبلیغات بازرگانی در شبکه های ماهواره ای، پُر سر و صدا و تو خالی.

حرف مفت زن ها در اقتصاد، جامعه شناسی، دین شناسی، عرفان، سیاست، تاریخ و اکثر علوم حرف برای گفتن دارند و همیشه و در هر زمان آماده اظهار نظر هستند و نسلشان هم هیچگاه منقرض نخواهد شد.

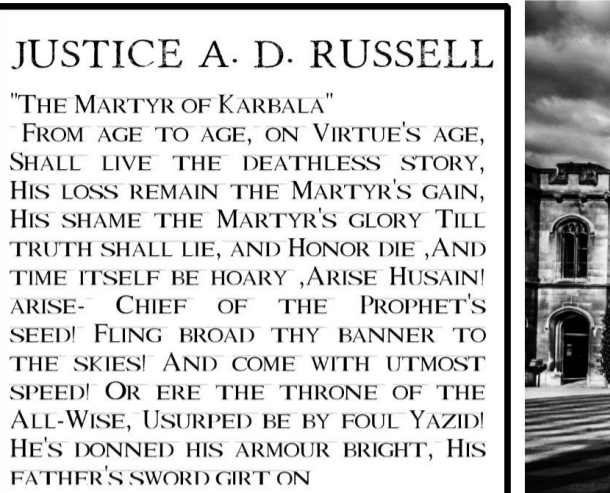
حداقل کاری که در این زمینه از دستمان بر می آید این است که ما از گروه حرف مفت زن ها نباشیم، اگر در زمینه ای علم و آگاهی نداریم حرفی نزنیم و با سخنانم سبب انحراف دیگران هم نشویم...

یک کارشناس دینی گفت:

یکی از اهداف شعار «زیر خیمه اش همه یک خانواده ایم» پرداختن به بحث متحد و همفکر بودن است و همه خوب می‌دانند که دشمن اتحاد و وحدت و با هم بودن ما را نمی‌خواهد و به دنبال ایجاد شکاف بین آحاد مختلف جامعه است.

محرم فصل شروع حماسه های عاشورایی است. حماسه هایی که هر ماه را محرم، هر روز زمین را کربلا و هر روز را عاشورا می کند، محرم تاریخی است که قطب بندی جدیدی را در جامعه اسلامی ارائه می کند.

«در زیر خیمه اش همه یک خانواده ایم» نشان نوشته شعار محرم ۱۴۰۲ است که اثر هنرمند هیئاتی احسان جعفرپیشه و شعر سروده شاعر اهل بیت(علیهم السلام) محمد اشرف است.



ترجمه شعر: صفحه ۲

بباید اسامی خدایان سومری را مرور کنیم. و این عجیب بود برایم که چرا دانشجوی علوم سیاسی هم بیرون از کلاس هم در جامعه و هم در کلاس دست کم گرفته می شود و چرا روحیه ی پویای علوم سیاسی تا این حد کاهش یافته است.و تنها جوابی که برایش پیدا می‌کنم جمله ای است که روی عنوان این نوشتار گذاشتم، علوم سیاسی که هويتش رو به هويت زدايي است و اشتغال دانش‌آموختگان در پایین ترین درجه است امروزه علمی گمشده است. که اهمیت و ضرورتش از خاطرها گمشده.

سیماکامل/کارشناسی علوم سیاسی



به بهانه ۱۷ مرداد روز خبرنگار

پاسداشت قلم در محضر شرافتمندی

خبرنگار شرفش را قربانی نمی‌کند، وجدانش را به هیچ بهایی نمی‌فروشد، او حقیقت را قربانی غرض و مرض و تعلقات و علقه‌های اجتماعی خویش نمی‌کند

پرسشگری به معنای گستاخی نیست، مطالبه‌گری برای تخریب و انتقام و تسویه‌حساب شخصی نیست، کنجکاوئی فضولی نیست، بودن و میان مردم زیستن، جسارت و شجاعت در مواجهه با تهدید و ارباب برای سکوت و دم فرو بستن، رعایت اصول و شالوده‌های اخلاقی و حرفه‌ای چون میهن‌دوستی، رازداری، مسئولیت اجتماعی، مردم‌داری، حراست و صیانت از ساختارهای بنیادین اجتماعی، دفاع بر کیبورد می‌نواز، هرکس ددربین بر گردن به ثبت و ضبط رویدادها و فرایندهای ریز و درشت جامعه می‌پردازد، هرکس میکروفن در دست در میدان تجربه‌های اجتماعی پرده از رازهای مگو برمی‌دارد، او بی‌شک یک خبرنگار است. خبرنگار شرفش را قربانی نمی‌کند، وجدانش را به هیچ بهایی نمی‌فروشد، او حقیقت را قربانی غرض و مرض و تعلقات و علقه‌های اجتماعی خویش نمی‌کند، خبرنگار سعی می‌کند در تحلیل و تفسیر و انعکاس آنچه در جامعه‌اش روی‌داده تا جایی که می‌تواند بی‌طرف بماند، او تلاش می‌ورزد جامع، روشن و صحیح بنگارد و نماینده‌ای امین برای مردمی باشد که همه شیشه‌های اعتماد خویش را در سید او و رسانه‌اش به ودیعه گذاشته‌اند و چه مسئولیتی از نگاهداشت امانت مردم دشوارتر که شاعر مبارک باد.



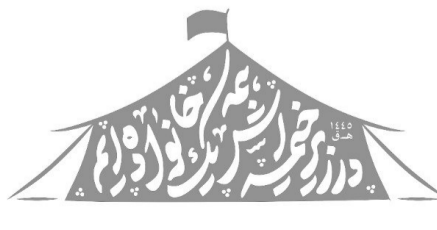
سلوک انقلابی

اینکه سلوک اجتماعی است، دربرگیرنده موضوعات و کنش های سیاسی و فرهنگی است

دعه اول محرم به هیئتی رفتم که سخنانش حجت‌الاسلام محمد جواد نطافت بود، موضوع جلسات هم سلوک انقلابی بود، واژه سلوک به گوشم خورده بود اما سلوک انقلابی برایم تاگی داشت، سیر و سلوک در واژگان عرفانی و معنوی معنا پیدا می‌کند، به معنای ایپمون و مسافرت است و اصطلاحاً به انسانی که در این راه قدم می‌گذارد سالک الی الله می‌گویند، کسی که قصد دارد با انجام کارهای خدایسندانه و خیر به کمال انسانی برسد و این مسیر انفرادی است و فراز و نشیب هایی هم دارد، الزاماتی که باید رعایت شود و محرماتی که باید ترک شود. اما موضوع حجت‌الاسلام نطافت سلوک انقلابی بود که تمایزاتی با سیر و سلوکی که در پیش ذکر شد دارد، اینکه سلوک اجتماعی است، دربرگیرنده موضوعات و کنش های سیاسی و فرهنگی است، کارهای خدایسندانه بپهوده داریم و کنش های دینی اشتباه، سلوک در جوان به یک شکل است و در انسانهای یا به سن گذاشته به شکلی دیگر، در سلوک انزواطلبی و دنیا حراسی نداریم و... سخنانی که برایم تاژگی داشت و سبب شد دعه اول محرم را هر شب به شوق شنیدن سخنان آقای نطافت به هیئت بروم.

قابل سخنرانی های جلسات را در کانال تلگرامی هیئت برای عموم به اشتراک گذاشته اند و شما را دعوت میکنم به شنیدن این سلسله سخنرانی ها؛ جهت دریافت فایل های صوتی جلسات به آیدی ذیل مراجعه کنید؛

هیئت لیبک : @Heiat_Labbayk



حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود

"متلهم"

سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او علمی که ره به حق ننماید جهالت است

POLITICAL SCIENCE SCIENTIFIC ASSOCIATION

SCIENTIFIC, POLITICAL, SOCIAL AND CULTURAL JOURNAL "ACCUSED" / THIRD WEEK OF AUGUST 1402 / NUMBER TWO - LICENSEE: SCIENTIFIC ASSOCIATION OF POLITICAL SCIENCES- ISLAMIC AZAD UNIVERSITY- MASHHAD BRANCH

گاهنامه علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی "متهم" / هفته سوم مرداد ۱۴۰۲ / سال اول - شماره دو - صفحه ۳

نهضت حسینی

زهرار جعتی

نهضت حسینی همانند روحی تازه در کالبد جامعه اسلامی می‌دمد و دوباره یار می‌طلبد هَل مین ناصر نَبُزْنی! یا که هستی، چه کسی را باری می‌کنی؟ حق را یا باطل را؟! راه میانه‌ای وجود ندارد، محافظه کاری و سکوت بی‌معناست! یا در راه هدایت حرکت می‌کنی یا در راه گمراهی، بزنگاه تاریخ است زندگی با ذلت یا مرگ با عزت؟! هیئات منا الذله! حسین قیام کرده تا اصلاح کند جامعه اسلامی را که منکر آن را فرا گرفته است، تحریف آن را فرا گرفته، انحراف در آن پدید آمده است، و عَلَی الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ لَبِثْتَ الْأُمَّةَ بَرَاعَ مَثَلٍ یَزِیدُ. اسلام دارد از دست می‌رود وقتی همچون یزیدی سکان این جامعه را به دست گرفته است که علناً مخالف اسلام است، جدال دو اسلام است اسلام باطل محمدی یا اسلام یزیدی(به اصطلاح امروز اسلام آمریکایی).

جامعه‌ای که پس از رحلت پیامبر (ص) در خواب غفلت فرو رفته و گرفتار ظلم و ستم و دنیا طلبی شده، این حرکت حسین است و خون با برکت سیدالشهداست که تکانه‌های ایجاد می‌کند، خون رنگ خاصی دارد که تاثیر عمیقی در بیداری ملت‌ها و تاریخ دارد. خط سرخ شیعه است که در کربلا برجسته‌تر می‌شود. فِکِدَ کِیْدَکَ وَاشِعَ سَمِیْکَ و ناصِبٌ جَهَنَّمَ کَ فَوَاللهِ لَا تَمُوحُ ذَکْرُنَا و لَا تَمِیْتُ وَحَیْنَاهُ

این صحبت حضرت زینب(س) فقط خطاب به یزید نیست، خطاب به هر که در مقابل این قدرت ایستاده است از یزید و ابن زیاد تا خلفای عباسی؛ منصور، هارون، متوکل عباسی تا صدام تا رضاحان تا کمپین‌های سیاه نیوشید، هیئت نرئود، ندروی نگبرید ...و

آنان که به قتل نرسیدند حسین با طعنه به جان هیئئات افتادند

پرچم حسین همیشه در اهتزاز است و هیچگاه اثر آن از بین نخواهد رفت، سردمداران کفر و پیروان ضلالت هرچند اقدام به محو و پنهان کردن آن داشته باشند چیزی جز تلالو روزافزون و آشکاری بیشتر حقانیت در بر نخواهد داشت. این صحبت خانم حضرت زینب ست، سعی خودت را بکن هرچه در توان داری بگذار تلمحو ذکرا.

ذکر حسین و قدرت حسین از بین رفتنی نیست، نور حسین خاموش شدنی نیست، ابن عشق ازلی و ابدی است، اسمال با وجود سعی و تلاش عده‌ای برای بی رونق کردن ایام محرم اسمال به برکت حضرت بقیه‌الله درست در نقطه مقابل خواست دشمن دهه عاشورا پرشورتر، پررونق‌تر و پرفرآیده‌تر از سال‌های قبل بود که نشانی می‌دهد خاندان به هر کاری که در مسیر اهداف الهی باشد کمک می‌کند. کشتی نوح نشد منتظر هیچ کسی، این حسین است که با خود همه را خواهد برد، این حسین است که دل ها را به هم نزدیک می‌کند، زیر خیمه حسین یکدل و یک رنگ شدیم زیر خیمه‌اش همه یک خانواده‌ایم... این قدرت حسین است که می‌تواند اجتماعی تحت یک برقی تحت یک ایده جمع کند، این اجتماع باید در مسائل مختلف جامعه خودش، چه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اثر بگذارد، حرکت حسین، حادثه کربلا یک حرکت سیاسی است، حسین برای اصلاح امت قیام کرد و نتیجه‌اش چه شهادت و چه حکومت برای او رفی می‌کرد و برای هر دو آماده بود، گریه بر حسین آنچنان که امام رحمت‌الله فرمود گریه سیاسی است، ما ملتئ هستیم که با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی که مقابل اسلام است، برای همین است که می‌گوییم ما هیئت سکولار نداریم. ما قافله سالار جهانیم نکند خواب بمانیم، اجتماعی به نام هیئت که تحت عنوان حسین گرد آمده مگر می‌شود فلسفه قیام حسینی را بفهمد و سکولار باشد، نبود به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌بی تفاوت باشد و فقط شور حسینی را بخواهد و نه شور حسینی و آنچه که مهم است شعور است. وظیفه امروز ما بیان کردن حقایق جامعه ی خودمان است، در هیئتی که دغدغه روشنگری، مبارزه با ظلم و فساد وجود نداشته باشد، در هیئتی که دغدغه مبارزه با اسرائیل نباشد، ابن زیاد سینه می‌زند و شمر اشک می‌ریزد و یزید صچه میزند. آن هایی که حسین را کشتند، هم روزه می‌گرفتند و هم نماز شان اول وقت آدمای شد و هم قصد قربت الا الله کرده بودن، تنها تفاوت آن ها در پیروی از ولایت بود. ابن محرم و عزاداری اهل بیت بود که همه توطئه‌ها را علیه اسلام خنثی کرد، از نهضت تنباکو تا مشروطه تا ۱۵ خرداد تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی تا فتنه ۸۸ تا فتنه اخیر...

این اجتماع باید به تأسی از پیشینیان و بزرگان خودش این چنین در عرصه اجتماع اثرگذار باشد و جریان آفرینی کند چنانچه دیدیم این محرم بود که فتنه‌های اخیر را خنثی کرد ودر جریان هتک حرمت ها به اسلام و قرآن این هیئت ها بودند که جلودار بودند. هرچند دشمن سعی خودش را کرد که این مجالس و محافل را کمزنگ کند اما خون حسین پرنرنگ‌تر از قبل است و روشنایش بیشتر.

وَ اَنْ بُرِّقَیْ طَلَبَ ثَارِیْ مَعَ اِیْمَانٍ هَیْ ظَهْرَاطِبِقٍ بِالْحَقِّ مَنَمَّهٌ



دکتر امیرحسین نوربخش؛ مدرس دانشگاه:

جنبش دانشجویی، هم استراتژی، هم تاکتیک...

جنبش دانشجویی به عبارتی رک ترین و صریح ترین جنبش اجتماعی است که بدون کمترین محافظه کاری نسبت به دیگر اقشار و بیان می‌کند.

دیر گاهی است که نیروهای دانشجویی به عنوان یکی از تاثیر گذارترین نیروهای سیاسی اعلام موجودیت نموده اند.

تحلیلگران جنبش دانشجویی را یک پدیده ی قرن بیستمی می‌دانند. اما آنچه بیش از همه سبب توجه به این برساخت اجتماعی شده است، ویژگی های خاص جنبش دانشجویی در قیاس با سایر قدرت های مدنی نظیر زنان و کارگران است.

جنبش دانشجویی به عبارتی رک ترین و صریح ترین جنبش اجتماعی است که بدون کمترین محافظه کاری نسبت به دیگر اقشار و اصناف جامعه سخنش را بیان می‌کند.

این صراحت کلام هرگز در میان بدنه ی جوامع پیشرفته دیده نمی‌شود. استقلال از دولت‌ها شاید ویژگی

دیگری باشد که مد نظر است. دانشجویان وابسته ی دولت‌ها نیستند و از آنها خط نمی‌گیرند. این اصل همیشه در میان نیروهای دانشجویی وجود دارد که چه گرا در مفهوم ضدیت با دول خود باشند.

نیز عرف‌ها و تعصبات کور سنتی را نیز برنشانند. در یک بیان کلی بدنه ی فعال دانشجویی در دنیا می‌خواهد بگوید: "این دانشگاه است که به دولت می‌گوید چکار کن. نه این که دولت به دانشگاه بگوید که چه کند!" عامل دیگری که سبب جایگاه رفیع برای دانشجویست، حضور این نیروها در مکانی تاثیرگذار به نام دانشگاه است. استقلال دانشگاه‌ها اهمیتش کمتر از استقلال دستگاه قضا نیست. حکومت‌ها و احزاب سیاسی همیشه سعی در نفوذ به درون بدنه ی دانشگاه و یارگیری از میان آونگاردهای جریان‌های دانشجویی جهت کسب مشروعیت برای خویش داشته‌اند. جنبش دانشجویی در ایران نیز با سابقه ای بیش از نیم قرن گواه تاریخی پر فراز و نشیب از فعالیت های صنفی و سیاسی است. که بیشتر تابعی از حوادث درون جامعه بوده و از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا خرداد و ۱۳۴۲ سپس ابان ۹۸ و دی ۹۶ و در نهایت تابستان ۱۴۰۱ بازتابی از خواست های اجتماع ایران شده است. و هر چند از این جهت شایسته ی تحسین است، اما مطالبات غیر سیاسی و مدنی و حقوق بشری و محیط زیستی را آن گونه که باید دنبال نکرده است. بنابراین خط دهی و ساخت خمیر مایه ی فکری جنبش‌های اجتماعی هدفی والاتر و بلند می‌گوشن خواهد بود.

رسیدن از سطح هیجان سیاسی به آگاهی‌بخشی در عرصه ی سیاست مطلوبیست که برخی رهبران دانشجویی سال‌هاست در پی تحقق آن هستند. امید که با شکفتن فصل اعتدال این جنبش نیز استراتژی جدیدی را برای نیل به اهداف مستمر خویش انتخاب نماید.

دوره به دوره (زمان به زمان) در عصر تقوا و فضیلت؛ زنده باد آن داستان نامرئذنی (فراموش ناشدنی و از یاد نرفتنی) آنچه او (حسین ع) از دست داد، بعنوان افتخار آن شهید، جاوید خواهد ماند

تا آن زمان که حقیقت نابود نگردد،و شرافت بمیرد، روزگار، خود نیز پیر و کهن شود
برخیز ای حسین! برخیز-
ای سرودمان نسل پیامبر(ص)
پرچم خود را در پهنای آسمان به اهتزاز در آور
و با نهایت سرعت (برای دفاع از دین خدا) بیا
قبل از آنکه سَمند جانشمی (خلافت) خداوند علیم بر هرچیز، غصب گردد توسط یزید پلید
اینک او (حسین ع) بر تن کرده زره درخشان را و شمشیر پدرش را بر کمر بسته

جستاری بر تأسیس و تأثیر دانشگاه آزاداسلامی بر جامعه ایران

در این مقاله قصد داریم به عوامل شکل‌گیری دانشگاه آزاد اسلامی و اثرات فراوانی که تأسیس این دانشگاه در جامعه ایران به لحاظ ساختاری و هنجاری داشته است، اشاره کنیم .

دکتر امیرحسین نوربخش؛ مدرس دانشگاه

شروع حرکت توسط متخصصان اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ و پس از آن، آغاز جنگ و در اواسط آن، گروهی از متخصصان انقلابی که عموماً برخاسته از طبقه تحصیل کرده و متوسط جامعه بودند و در واقع جزء شبکه مدیران جوان اجتماع خود به حساب می آمدند و در مدیریت پشت جبهه‌های جنگ نیز تأثیر فراوان داشتند، تصمیم به انجام حرکتی جدید با محور توسعه آموزش عالی گرفتند که بنیان‌گذاری یک دانشگاه غیردولتی در قالب یک مؤسسه غیردولتی، نمود آن بود؛ اما از همان آغاز، سیل مخالفت‌های فراوان با این اندیشه شدت گرفت که ناشی از فضای چپ‌گرایی و دولت‌محوری در فضای جامعه پس‌انقلابی و متأثر از مدیریت اقتصادی شبه سوسیالیستی پس از جنگ بود که حساسیت‌های بسیار فراوانی را در میان انقلابیون برانگیخت؛ اما عواملی چون موافقت امام خمینی (ره) با تأسیس این دانشگاه و پیوستن افرادی چون مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر وقت سبب شد تا این نگرانی‌ها فروکش کند و این دانشگاه اعلام موجودیت کند. حضورافرادی که به‌تازگی از حزب منحله جمهوری اسلامی جدا شده بودند در بدنه اصلی مدیریتی این دانشگاه و ریاست معنوی آیت الله هاشمی رفسنجانی بر آن، سبب تقویت هرچه بیشتر پایگاه آن نزد انقلابیون شد.

همان‌طور که اشاره شد، این دانشگاه در دوران تثبیت انقلاب اسلامی ایجاد شد و بسیار ملهم از نگرش طیف باسواد، متحد و غیرنظامی انقلابیونی بود که توسعه آگاهی عمومی و رشد تربیت دانشگاهی را راهی برای تحقق افکار خود می‌دیدند. آن‌ها معتقد بودند که گسترش رفاه و آزادی‌های عمومی سبب تعالی به سمت اهداف اولیه انقلاب خواهد شد. تلاش برای استقلال از دولت در حین تعامل نزدیک با آن، سبب شد تا مسیری تازه در عرصه آموزش کشور طی شود. این در حالی بود که ضعف‌های مالی دانشگاه با برخی استقرارها از دولت‌های وقت و کمبودهای انسانی آن با استفاده از فارغ التحصیلان خود دانشگاه جبران می‌شد؛ تا جایی که حتی چندین نفر از اعضای گروهک منافقین که تواب شده بودند، توانستند در رده‌های پایین این دانشگاه تأمین شغلی بیابند و دوباره به دامان انقلاب باز گردند. نقش دانشگاه آزاد در توسعه اجتماعی توسعه جغرافیایی و حتی نحوه پرانکدگی رشته‌های تحصیلی دانشگاه آزاد به گونه‌ای بود که یک بده بستنان فرهنگی و اقتصادی واقعی را سبب شد؛ به گونه‌ای که حتی در دورافتاده‌ترین شهرها و شهرستان‌های کشور، دانشگاه تأسیس شد و اصطلاحاً مرکزنشینیان را به شهرستان‌ها و شهرستانی‌ها را به مرکز روانه کرد.

مطالعات نشان می‌دهد که توسعه شبکه‌های ارتباطی و رفاهی و رونق اقتصادی - فرهنگی در بسیاری از شهرستان‌ها حاصل فعالیت دانشگاه آزاد است که نقش مهمی در از بین‌بردن تضادهایطبقی و تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ داشته است.البته باید نسبت به روحیه کمیت‌محوری حاکم بر دانشگاه آزاد و نیز تلاش بر عدم فعالیت سیاسی و فرهنگی در دانشگاه توسط دانشجویان، تأمل کرد که البته درطول این سال‌ها به تدریج رنگ باخته است زیرا رفته رفته نشریات و تشکل‌های دانشجویی فعالی در دانشگاه ایجاد شد و سرمنشأ تحولات جدید در عرصه سیاسی - اجتماعی کشور شد که نمونه بارز آن فعالیت قابل‌توجه دانشجویان این دانشگاه در انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری اخیر بود که حتی سبب شد سیل اتهامات به سمت رؤسای واحدها و نیز ریاست دانشگاه با عنوان حمایت مالی و سیاسی از کاندیدایی خاص و مسامحه در برخورد با معترضان به نتیجه انتخابات روانه گردد.

نکنه دیگر، تلاش این دانشگاه برای رفاقتی شدن فضای آموزشی کشور و دادن فرصت تازه به نخبگانی بود که به دلایل عدیده موفق به حضور در دانشگاه‌های دولتی نشده بودند. البته تلاش فارغ التحصیلان این دانشگاه برای رفاقت با سؤگلی‌های فارغ التحصیل از دانشگاه‌های دولتی، کار ساده‌ای نبود و حتی سبب صدور برخی احکام قضایی. توسط مراجع صالح دادگستری مبنی بر تساوی ارزش، میان دانشگاه دولتی و آزاد گردید که راه را برای تولید نظام‌های آموزشی دیگر، نظیر دانشگاه‌های غیرانتفاعی و پیام نور هم گشود و فضای تک‌صدایی در عرصه آموزش کشور کاملاً شکسته شد.

گرچه امروزه دانشگاه آزاد به چشم یک بنگاه اقتصادی و سیاسی مهم درکشور نگریسته می‌شود که محل منازعه جناح‌های حاکم شده است، اما نقش آن در تربیت یک طبقه متوسط کارآموده، قابل انکار به نظر می‌رسد؛ اجتماعی که درصورت توجه و نبود نگاه تبعیض آمیز و غرض آلود رفته رفته می‌تواند از بحران‌هایی نظیر بیکاری و نبود جایگاه اجتماعی مناسب، نجات یابد و از یک تهدید به یک فرصت تبدیل شود.

در پایان این مقاله باید گفت به نظر می‌رسد صرف نظر از ساختار رئیس محوری غیرانتفاعی در دانشگاه آزاد، نمی‌توان با‌توجه به نحوه گزینش اساتید و دانشجویان و نیز دید مستقل علمی و غیر سیاسی به آنان، نوع قابل ملاحظه‌ای از مدیریت صحیح آموزشی و دانش بنیان را در این وادی مشاهده نکرد؛ که می‌تواند در بلند مدت سبب تربیت نخبگان و فریگان علمی بسیار گردد.



نخبه‌گرایی

بر طبق این نظریه ماهیت هر جامعه‌ای اعم از ایستا یا پویا، مشروع و یا مشروع توسط ماهیت نخبگان آن تعیین می‌شود. هرچند ریشه‌های نخبه‌گرایی را باید در عقاید افلاطون، ماکیاوِل و دیگران جستجو کرد ولی نخبه‌گرایی، به عنوان یک نظریه قدرت اجتماعی توسط ویلفردو پارِتو، گائتا موسکا و رابرت میخلز مطرح شده است.

نخبه‌گرایی بر پایه سه ادعای عمده استوار است:

۱- اعتقاد به غیر قابل اجتناب بودن حکومت نخبگان و غیر ممکن بودن لیبرال دموکراسی.

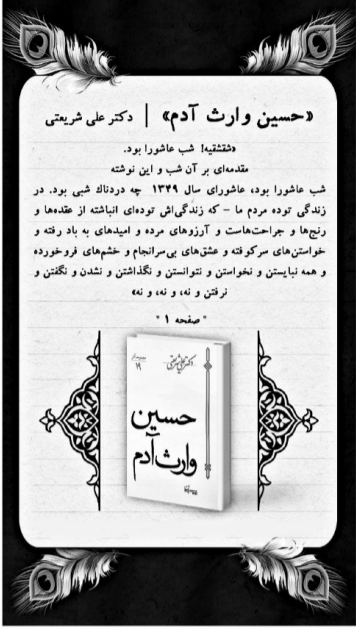
۲- انکار مفهوم اکتونومیستی مارکسیسم به معنای این که اقتصاد تعیین‌کننده نهایی پویایی اجتماعی است.

۳- اعتقاد به استقلال بالقوه دولت از نیروهای اجتماعی و اقتصادی.

بین‌الملل / انترناسیونال

نام انجمن سازمان‌های کارگری گروه‌ها و احزاب سوسیالیست است که برای رسیدن به همیاری جهانی و پیش بردن جنبش کارگری در جهان تلاش می‌کردند. بین الملل اول در سال ۱۸۶۴ در لندن و با عنوان «انجمن بین‌المللی کارگران» تشکیل شد. بین الملل دوم در سال ۱۸۸۹ به صورت «سازمان مشترک احزاب سوسیالیست» و بین الملل سوم نیز در سال ۱۹۱۹ در مسکو تشکیل گردید. بین الملل سوم در ابتدا کومیتورن و سپس کومینفورم خوانده شد. بین الملل چهارم را پیروان تروتسکی در سال ۱۹۳۸ بنیاد گذاشتند.

بین الملل سوسیالیست که در سال ۱۹۵۱ و در فرانکفورت بنیان نهاده شد، متشکل از چهل حزب سوسیال‌دموکرات است که مقر آن در لندن قرار دارد.



معرفی کتاب

آنهاکه رفتند، کاری حسینی کردند، و آنهاکه ماندند، باید کاری زینبی کنند، وگرنه یزیدی‌اند

حسین وارث‌آدم

اکنون شهیدان مرده‌اند، و ما مرده‌ها زنده هستیم. شهیدان سخنشان را گفتند، و ما کرها مخاطبشان هستیم، آنها که گستاخی آن‌را داشتند که .وقتی نمی‌توانستند زنده بمانند . مرگ را انتخاب کنند.

رفتند، و ما بی‌شرمان ماندیم، صدها سال است که مانده‌ایم. و جا دارد که دنیا بر ما بخندد که ما- مظاهر ذلت و زبونی - بر حسین(ع) و زینب(س)- مظاهر حیات و عزت - می‌گرییم، و این یک ستم دیگر تاریخ است که ما زبونان، عزادار و سوگوار آن عزیزان باشیم.

امروز شهیدان پیام خویش را با خون خود گذاشتند و روی در روی ما بر روی زمین نشستند، تا نشستگان تاریخ را به قیام بخواهند.

در فرهنگ ما، در مذهب ما، در تاریخ ما، تشیع، عزیزترین گورهایی که بشریت آفریده است، حیات بخش ترین ماده‌هایی که به تاریخ، حیات و تیش و تکان می‌دهد، و خدایی ترین درس‌هایی که به انسان می‌آموزد که می‌تواند تا «خدا» بالا رود، نیفته است و میراث همه این سرمایه‌های عزیز الهی به دست ما پلیدان زبون و ذلیل افتاده است.

ما وارث عزیزترین امانت‌هایی هستیم که با جهادها و شهادت‌ها و با ارزش‌های بزرگ انسانی، در تاریخ اسلام، فراهم آمده است و ما وارث اینهمه هستیم، و ما مسئول آن هستیم که امتی بسازیم از خویش، تا برای بشریت نمونه باشیم. «وَكذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلٰی النَّاسِ وَ یَكُوْنُ الرَّسُوْلُ عَلَیْكُمْ شَهِیْدًا» خطاب به ماست. ما مسئول این هستیم که با این میراث عزیز شهیدا و مجاهدانمان و امامان و راهبرانمان و ایمانمان و کتابمان، امتی نمونه بسازیم تا باری مردم جهان شاهد باشیم و شهید باشیم و پیامبر(ص) برای ما نمونه و شهید باشد.

رسالتی به این سنگینی، رسالت حیات و زندگی و حرکت و پیشین به بشریت، بر عهده ماست، که زندگی روزمره‌مان را عاجزیم!

خدا! این چه حکمت است؟

و ما که در پلیدی و منجاب زندگی روزمره جانوریمان غرقیم، باید سوگوار و عزادار مردان و زنان و کودکانی باشیم که در کربلا برای همیشه، شهادتشان و حضورشان را در تاریخ و در پیشگاه خدا و در پیشگاه آزادی به ثبت رسانده‌اند.

نمایش آزادی بیان با قصد و نیت شوهر...! بررسی ابعاد حقوقی آتش زدن قران در سوئد

عرفان شعبویی /کارشناس حقوق:

مگر می‌شود قانون محلی برای هرج و مرج و تو همین باشد؟ دولت سوئد که خود پرچمدار احترام به اصول و عقاید افراد است و همواره بر آن حداقل در رسانه‌ها و ظاهراً تأکید کرده چطور می‌تواند توهین به قشر کثیری از جامعه جهانی را نادیده بگیرد و برخورد قانونی نکند...

چندی پیش جوان ۲۷ ساله‌ای به نام سلوان مومیکا، با گرفتن مجوز از پلیس سوئد، اقدام به هتاکی و اتش زدن کتاب مقدس مسلمانان کرد، اما ماجرا زمانی عجیب‌تر می‌شد که پلیس سوئد و دولت این کشور به حمایت از این فرد عراقی که سابقه مؤثر کیفری در کشور عراق دارد و سالها به دلیل جنایات جنگی و خشونت زردانی بوده است کردند. اسم این کار او هم تنها در گرو یک مکتب و یک بحث برای موجه جلوه دادن آن قرار می‌گیرد و آن چیزی نیست جز آزادی بیان،اما بررسی حقوقی این مسئله خالی از لطف نیست. همان‌طور که می‌دانیم قانون یک کشور برگرفته شده از عرف آن محل یا کشور است چطور ممکن است که دولت سوئد در عرف داخلی کشورش اجازه اهانت کردن و توهین به مقدسات،عقاید و مناسک مذهبی مختلف را به اقشار و مردم بدهد،اصلاً آیا خشونت و انتقام‌جویی رویه‌ای میسر و طبیعی در دولت سوئد است.

در قانون اساسی همه کشور‌ها که قانون‌مادر انجا می‌باشد،ممکن است در برخی مفاد و اصول صحبت از آزادی بیان یا رفتار یا کلا آزاد بودن در هر امری شده باشد اما این بدین معنا نخواهد بود که مناسک و مقدسات گروهی را مورد تمسخر قرار داده یا به آن توهین کنیم چه از نظر دینی و مذهبی و چه اجتماعی،در بسیاری از کشورها برای جلوگیری از

هرج و مرج داخلی و فتنه و آشوب اجازه برگزاری اعتراض‌های صنفی را می‌دهند،که اهداف آن ممکن است سیاسی یا جمعی باشد،درحقوق جزایی کشور ماهم جرم سیاسی بطور کلی متفاوت از جرائم امنیتی و اقدام علیه منافع ملی است.

اما اجازه اعتراض صرفاً برای بیان خواسته جمعی یا شخصی به‌صورت مسالمت آمیز و بدون از خشونت و آسیب به اموال عمومی است،اما عجیب است که دولت و پلیس سوئد با چه استدلالی اجازه اتش زدن کتاب مقدس مسلمانان و دین اسلام را داده اند آیا مسئولین آنها اطلاعی ندارند،دین اسلام پیروان زیادی دارد و ممکن است این مسئله برای این عده کثیر خوشایند نباشد.

با هر عقیده و دیدی به این موضوع نگاه کنیم هیچ توجیه درستی برای آن پیدا نخواهیم کرد.اقدام فرد هتاک کاملاً واضح و روشن است و حتی دولت سوئد می‌تواند او را به مرجع قضایی کشور‌های اسلامی تحویل دهد،رویه قانونی و شرعی موجود صدق می‌کند هر فردی که اقدام به توهین به مقدسات و دین و عقاید اسلام کند محکوم است قانون اساسی شاید در دل خود اجازه یکسری امور را بدهد و در هر کشوری متفاوت باشد،اما زمانی ایراد پیدا می‌کند که امر پیش بینی شده به منظور آزادی بیان یا هرچیز دیگر باعث لطمه و آسیب و توهین به عقاید قشری دیگر شود چه اقلیت چه اکثریت ،چه در کشور مربوطه یا در کیلومترها دورتر یا در قاره‌ای دیگر اصلاً مگر می‌شود قانون محلی برای هرج و مرج و تو همین باشد؟ دولت سوئد که خود پرچمدار احترام به اصول و عقاید افراد است و همواره بر آن حداقل در رسانه‌ها و ظاهر تأکید کرده چطور می‌تواند توهین به قشر بسیاری از جامعه جهانی را نادیده بگیرد و برخورد قانونی نکند...



ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود

بی‌هشترگر دعوی بی‌جاکندر سواشود

"متهم"

ماکه در راه طلب دم از حقیقت می‌زنیم

طعنه‌های مدعی کی سدراه ما شود

POLITICAL SCIENCE SCIENTIFIC ASSOCIATION

SCIENTIFIC, POLITICAL, SOCIAL AND CULTURAL JOURNAL "ACCUSED" / THIRD WEEK OF AUGUST 1402 / NUMBER TWO
- LICENSEE: SCIENTIFIC ASSOCIATION OF POLITICAL SCIENCES- ISLAMIC AZAD UNIVERSITY- MASHHAD BRANCH

گاهنامه علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی "متهم" / هفته سوم مرداد ۱۴۰۲ / سال اول - شماره دو - صفحه 4

محمد بن عبدالوهاب کیست؟

سوسن بحرینی؛ کارشناس ارشد علوم سیاسی

محمدبن عبدالوهاب: (1206- 1115 ه.ق):

محمد بن عبدالوهاب در سال 1115 ق در شهر العیننه در نزدیکی ریاض، در خانواده اهل علم و دین متولد شد، (ایلزکی، 1396: 60) پدر او قاضی شهر عیننه و عالم دینی بود و هم چنین نیاکان وی همگی بر مذهب، احمدبن حنبل بوده اند. محمد بن عبدالوهاب در همان زمان آغاز زندگی به تعلیم دین و مذهب حنبلی به تحقیق و تفحص پرداخت. (کرمانی، 1382: 9-10)

محمد بن عبدالوهاب به دنبال کسب آگاهی بیشتر از عقاید بن شاکردانش و نیز اطلاع از جو فرهنگی و اجتماعی و سیاسی شام و عراق که تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار داشتند به آن مناطق سفر کرد. هرچند با مرگ ابن تیمیه، دعوت سلفگیری و احیای مکتب سلفی در عقاید به فراموشی سپرده شد، اندیشه او، در لابه‌لای کتاب‌ها و گوشه کتابخانه‌ها باقی ماند تا روزی که محمد ابن عبدالوهاب نجدی ظهور کرد و به نیش قبر آثار دفن شده و فراموش شده او پرداخت و گفته‌ها و نوشته‌های او را با بیان فریبنده برای مردم مطرح ساخت. (عبدالمی و میرخان، 1397: 4-5)

محمدبن عبدالوهاب با امیر محمد مسعود پیمان می‌بندد تا با یکدیگر برای فتح سرزمین های اسلامی و تبلیغ اسلام ناب همراهی کند و نتیجه این شود که، یکی نیروی مذهبی و دیگری قوای جنگی و نبرد را فراهم می کند.در اثر این همکاری، پرچم های جهاد برافراشته شد، با مسلمانان دیگر نواحی به جنگ می پردازند تا آنان را از طرفی زیرسلطه حکومت امیرمحمد بن مسعود درآورند و از طرفی به تبعیت فرقه وهابیت درآورند. طی این کشتارهای خونین که علیه مسلمانان صورت گرفت بسیاری از مناطق اسلامی به تصرف امیرمحمد مسعود درآمد. این جنگ ها همگی بنام « جهاد فی سبیل الله » و قتال با کفار را می گیرند و اموال مسلمین حکم غنایم را پیدا می کنند. شیخ محمدبن عبدالوهاب در زمان حیات خود، بیش از 30 کتاب تالیف نمود که مهم ترین آن عبارتند از : التوحید، کشف الشبهات، تفسیر سوره فاتحه و اصول الایمان. (کرمانی، 1382: 11)

محمد بن سعود برای تجهیز و تقویت وهابیت دخترش را به عقد محمد بن عبدالوهاب درآورد تا انگیزهای باشد برای اینکه وهابیان از حکومت آسعود حمایت و دفاع بیشتری بکنند. (جمشیدپراد، 1389: 191)

عقاید محمدبن عبدالوهاب مورد قبول پدر نبوده و با پدر نیز بر نزاع بوده و برادرش شیخ سلیمان بن عبدالوهاب نیز جزو علمای حنبلی بود رده ای تحت عنوان « الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» بر افکار شیخ محمد نوشت و همچنین کتاب دیگری تحت عنوان « فصل الخطاب فی الرد محمدبن عبدالوهاب» در رد افکار برادر منحرفش نوشت. شیخ سلیمان می‌گوید اموری که وهابیان آن را موجب شرک و کفر را می‌دانند و آن را بهانه مباح شدن مال و جان مسلمانان می‌ندارند، از هیچ‌یک از ائمه اسلام شنیده و روایت نشده که مرتکبان این اعمال را کافر یا مرتد بدانند و دستور جهاد با آنان را داده باشند یا اینکه بلاد مسلمانان را بلاد شرک و دارالکفر نامیده باشند. (طاهری و احمدوند، 1394: 89)

بعد از مرگ پدرش، محمد بن عبدالوهاب عقاید خود را به صورت آشکار تبلیغ کرد و به دلیل تبلیغ موضوعاتی همچون مبارزه با بدعت و خرافات در اسلام و بازگشت به آنچه او سنت های حقیقی و واقعی می شمرد، به مبارزه پرداخت. فرقه وهابیت (خودشان خودشان را با این نام تلقی نمی کنند) از مذهب حنبلی پدیدار شد و همه پیشوایان وهابیت و بطور کلی عموم کسانی که از ابتدا زیارت قبور و توسل و استعانه به پیامبر اعظم(ص) را منع کرده‌اند، از علمای حنبلی بوده‌اند. ابو محمد برپهاری، ابن بطله، ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم و محمد ابن عبدالوهاب همه از علمای حنبلی محسوب میشدند و به همین علت وهابیان از ابتدا خود را حنبلی می‌دانسته و هنوز هم خود را پیرو احمد ابن حنبل می‌دانند. محمد بن عبداللطیف، یکی از نوادگان محمد ابن عبدالوهاب می‌نویسد: « مذهب ما مذهب احمد ابن حنبل است.» (جمشیدپراد، 1389: 192)

از لحاظ حضور مذاهب مختلف در عربستان حضور محمد بن عبدالوهاب، مردم شرق عربستان شیعه بوده، مردم منطقه عسیر از پیروان مذهب زیدی، اهالی نجد اهل سنت – حنبلی، در حجاز اکثریت شافعی، در شمال بیشتر مردم حنفی بودند و همچنین در حجاز برخی مردم معتقد به فرقه‌های صوفیه سنوسیه، ادرسیه، قادریه، گیلانیه، بکتاشیه بودند. (طاهری و احمدوند، 1389: 89)

با این حرکت‌ها و خیزش‌ها و زد و خرده‌ها و غارت اموال مردم، سیاه وهابی شکل گرفت و حتی با مرگ محمد بن عبدالوهاب در سال 1206 ه.ق پیروانش به روش شیخ باقی ماندند.

دیکتته ؛ غلامعلی شکوه‌پیان

بنویس؛ بابا مثل هر شب نان ندارد

سارا به سین سفره‌مان ایمان ندارد

بعد از همان تصمیم کبری ابرها هم

یا سیل می‌بارد و یا باران ندارد

بابا انار و سیب و نان را می‌نویسد

حتّی برای خواندنش دندان ندارد

انگار بابا هم کلاس اولی‌هاست

هی می‌نویسد این ندارد آن ندارد

بنویس، کی، آن، مرد، در، باران می‌آید

این انتظار خیس‌مان پایان ندارد

ایمان برادر گوش کن نقطه سر خط

بنویس بابا مثل هر شب نان ندارد

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی " متهم "

سال اول/شماره دو/مرداد۱۴۰۲
صاحب‌امتیاز: اندجن علمى علوم سیاسى دانشگاه آزاداسلامى واحد مشهد
مدیر مسئول: سیدامیرحسین حسینی صالحی
سردبیر: زهرا فیض‌آبادی
جانشین سردبیر و دبیر تحریریه: عرفان حقانی
همکاران این شماره: زهرا رجعتی، سوسن بحرینی، عرفان شعیمی، عرفان حقانی، سید صالحی، سیماکامل، امیرحسین نوربخش
ویراستاران: معین نخعی شریفن، سید صالحی
صفحه‌آرایی و روابط عمومی:
سیدامیرحسین حسینی صالحی
راه ارتباطی: @political_admin «تلگرام»
شماره مجوز: ۴/۴۱
نشانی نشریه: دانشکده حقوق و علوم سیاسى دانشگاه آزاد اسلامى واحد مشهد-دفتر اندجن علمى علوم سیاسى

در دوره پهلوی احزاب زیادی به ظاهر فعالیت داشتند، از

حزب مردم تا ملیون‌پان‌ایرانیست‌ها به دستور محمدرضا پهلوی در ۱۱ اسفند ۵۳ حزب رستاخیز تأسیس شد، احزاب ایران نوین، حزب مردم پان‌ایرانیست و ایرانیان در آن ادغام شدند و نظام تک حزبی در ایران حکم فرما شد، اعتقاد به

نظام شاهنشاهی و اجرای اصول انقلاب شاه و ملت از اهداف

این حزب بود، شرکت در این حزب به دستور شاه اجباری و مخالفان می‌بایست به زندان یا خارج از کشور می‌رفتند، اجرای نظام تک حزبی که رهبری کل فعالیت‌های سیاسی را به شخص محمدرضا پهلوی واگذار می‌کرد رکن دیگری بر دیکتاتوری او می‌افزود و فضای سیاسی جامعه را تک صد می‌کرد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت ایجاد تشکیلات و به وجود آمدن نوعی انسجام و هماهنگی درونی میان نیروهای سیاسی و مبارز مذهبی از اموری بود که بعد از شهریور ۲۰ خصوصاً بعد از کودتای ۲۸ مرداد و نافرجام بودن نهضت ملی شدن نفت ذهن بعضی از فعالان سیاسی متدین را به خود مشغول کرده بود. از جمله شهید بهشتی پس از مشاهده تجربه تلخ فقدان یک تشکل گسترده اسلامی در نهضت ملی شدن نفت یکی از دلایل عدم موفقیت مردم به خصوص روحانیات را در مبارزات خود علیه رژیم شاه و

استعمار نداشتن تشکل می‌دانست و تأکید می‌کرد که بعد از ماجرای نهضت ملی شدن نفت و شکست این نهضت و خانه نشین شدن آیت الله کاشانی اگر ما تشکیلات سیاسی می‌داشتیم شکست نمی‌خوردیم و می‌توانستیم در مقابل

کسانی که باعث به هم ریختگی نهضت شدند کارهایمان را سر و سامان دهیم و در مقابل شاه و استعمار آمریکا پیروز شویم. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و پس از بازگشت و از آزاد فعالان سیاسی و مذهبی از زندان ضرورت ایجاد تشکیلاتی منسجم در قالب یک حزب بیشتر احساس می‌شد و امکان همفکری و همکاری برای چنین کاری نیز

فراهم بود این آرزوی چند ده ساله و نتیجه همفکری‌های یکی دو ساله این افراد در قالب اساننامه به‌مرام‌نامه حزبی به نام حزب جمهوری اسلامی به ظهور رسید، و پس از جلب موافقت امام خمینی رحمت‌الله که به دلیل تجربه بی‌واسطه خود از عملکرد ناموفق احزاب در ایران به دلیل آنکه بیشتر احزاب به جای خدمت کنند خیانت کردند بدین واسطه در مورد احزاب نظام مساعدی نداشتند، خبر تأسیس حزب جمهوری اسلامی به فاصله چند روز چند روز پس از پیروزی انقلاب به مردم اعلام شد. موسسان حزب سید محمد حسینی بهشتی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای و محمد جواد باهنر

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی



بودند. شهیدبهشتی را باید موسس حزب جمهوری اسلامی دانست، او به عنوان نخستین دبیرکل حزب هم انتخاب شد. از اهداف شکل‌گیری حزب جمهوری اسلامی می‌توان به جلوگیری از شکست و انحراف تحولات سیاسی و تداوم نهضت انقلابی، کادرسازی و شکل‌گیری نهادهای انقلابی و تربیت جامعه و افراد متدین، ایجاد استقلال سیاسی و اقتصادی و… می‌توان نام برد. شهید بهشتی و موسسان از ابتدای تشکیل حزب جمهوری اسلامی بال‌های گشوده‌ای برای پذیرش اعضا داشتند و طیفی از سلايق مختلف به عضویت حزب درآمدند. به عنوان مثال دکتر سید محمود کاشانی که با دعوت آیت الله خامنه‌ای به حزب پیوست که دیدگاه منتقدانه‌ای نسبت به مصدق و عملکرد وی در جریان نهضت ملی شدن نفت داشت در کنار افرادی چون میرحسین موسوی و جلال الدین فارسی که تعلق خاطر ویژه‌ای به مصدق داشتند دیده می‌شد، میرحسین موسوی که سردبیری روزنامه جمهوری اسلامی را هم به عهده داشت و به سبب بی‌اعتنایی به نقش آیت الله کاشانی در نهضت ملی شدن نفت مورد انتقاد اعضای حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته بود، حزب جمهوری اسلامی با همه گسترش و قدرت و موفقیتی که داشت با موانع و مشکلات متعددی روبرو بود، طیف متنوع مخالفان انقلاب اسلامی از سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، بنی صدر و همه کسانی که با شخص امام خمینی رحمت الله و میانی او مخالف بودند و از ترس مردم جرات علنی کردن این مخالفان را نداشتند همه انتقادات و فشارها و تهدیدهای خود را متوجه حزب می‌کردند، آنها همیشه حزب را با عناوینی از جمله انحصارگرایی و قدرت طلبی متهم می‌کردند، امام رحمت الله می‌فرمایند؛ انحصار به این معنا که باید اسلام باشد و غیر اسلام نباشد. من مؤسسان حزب را خوب می‌شناختم خودم آقای هاشمی را بزرگ کردم خودم آقای خامنه‌ای را بزرگ کردم، این‌ها اشخاصی نیستند که به دنبال انحصار طلبی باشند، از موفقیت‌های حزب می‌شود به کمک مؤثر در برگزاری همه پرسی جمهوری اسلامی در ۱۰ فروردین ۵۸، معرفی نامزدهای واجد صلاحیت به مردم در انتخابات مجلس خبرگان، بررسی و تصویب قانون اساسی با تأکید بر اصل ۱۰۱، کمک به برگزاری همه پرسی قانون اساسی و شرکت فعال در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، مقابله با ضد انقلاب و شرکت در جبهه‌های جنگ نام برد. حزب همچنین با توجه به وضع خاص تاریخی کشور

نقش‌آفرینی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در تحقق شعار سال

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با تولید علم، با توجه به نیاز روز جامعه و به‌خصوص تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص می‌تواند نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذار در تحقق شعار سال و عمل به منویات رهبری داشته باشند.

یکی از سیاست‌های کلان دانشگاه عملیاتی کردن برنامه‌های خود برپایه تربیت دانشجو به‌عنوان قوه عاقله کشور با نگاهی بر انسان‌ساز بودن در کنار پرورش و تربیت افراد مفید برای جامعه، مسئله محور بودن دانشگاه به‌ویژه در حوزه فناوری و ایجاد توسعه پایدار، نگاه به درون و ظرفیت‌های دانشگاه برای تدوین برنامه‌های فرا دانشگاهی است که امیدواریم در سال جاری با جدیت پیگیری شود.

برای تحقق شعار سال باید به‌صورت روشمند و هرگونه اقدام مبتنی بر آگاهی‌ها و دانش روز باشد و از تصمیمات احساسی و شتاب‌زده باید پرهیز کرد.

بیکاری ازجمله مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های اقتصادی جامعه است؛ پس باید کوشش کنیم با رویکردهای دانش‌بنیان و علمی و کاربردی، تولید مبتنی بر اشتغال را در جامعه نهادینه کنیم.در بخش‌های علوم انسانی و اجتماعی هم باید با رویکرد مسئله محوری، تلاش کرد نقش‌آفرینی علمی و کاربردی نظام دانشگاهی برای کاهش مشکلات را افزایش داد.

" غلامرضانامی؛ روزنامه‌نگار "



خدمات عمرانی درخور توجهی داشت، از جمله راه اندازی کارخانه، خانه سازی و حتی لوله کشی آب برای مناطق محروم یکی از موفقیت‌های بارز حزب جمهوری بود.

عزل ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری به علت عدم کفایت سیاسی و موضع‌گیری وی علیه نظام جمهوری اسلامی و اتحاد با نیروهای ضد انقلاب و وابسته به شرق و غرب جهت نابودی نظام اسلامی، مخالفت مستمر وی با مجلس شورای اسلامی، دخالت صریح در قوه قضاییه و عدم درک صحیح از بدیهی‌ترین اصول قانون اساسی و نیز عدم اعتقاد به اصل تفکیک قوا است. اگر ما در مقابل بنی صدر و لیبرال‌ها، ملی گراها و حزب جمهوری اسلامی را نداشتیم قطعاً شکست می‌خوردیم.

در ۲۶ خرداد ۶۰ طرح دوفوریتی برای ارزیابی کفایت سیاسی در مجلس به تصویب رسید و به دنبال رای مجلس شورای اسلامی که نمایندگان ملت بودند و صدای مردم بودند، امام خمینی در

اول تیر ۶۰ در حکمی خطاب به ملت ایران وی را از این مقام عزل کرد ۳۰ خرداد ۶۰ سازمان مجاهدین خلق اعلام جنگ مسلحانه

و وارد فاز نظامی شد گروهی که قرار بود خود را فدای خلق کند خلق را فدای اهداف سیاسی خودش کرد و ترور اشخاص مهم کشور شروع شد. در حالی که جنگ عراق، شورش منافقین، بحث انتخابات و عزل بنی صدر بحث داغ محافل بود آیت الله خامنه‌ای

که از جبهه‌ها برگشته بود و بعد از اینکه خدمت امام رسیده بودند طبق برنامه شبه‌ها قرار بود در یکی از مساجد جنوب شهر سخنرانی کند و پاسخگوی سوالات مردم در مورد مباحث روز باشند که توسط ضبط صوتی که روی تریبون کار گذاشته شده بود و بعد از دقایقی از شروع جلسه منفرج شد مجروح شدند،

روی جداره داخلی ضبط صوت شکسته نوشته بود؛ عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی. شش روز بعد از عزل بنی صدر در هفت تیر جلسهای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب برگزار شد، موضوع جلسه تورم و انتخابات ریاست جمهوری آینده بود،

بهشتی سخنان خود را آغاز کرد: ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهرسازى کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. در این لحظه انفجار سالن اجتماعات را فرا گرفت. بهشتی همراه با ۲۲ تن از بهترین یاران امام خمینی مانند۷۲ تن از بهترین یاران امام حسین در کربلا مظلومانه به شهادت رسیدند و ضربه سنگینی به نظام وارد شد. بهشتی رئیس قوه قضاییه که خود به تنهایی یک ملت بود برای ما، همراه با چهار وزیر از جمله وزیر نیرو، سازمان بهزیستی کشور ، پست و تلگراف و تلفن ، راه و ترابری ، با ۲۷ نماینده مجلس از جمله اشخاص سرآمد شهیدان در این انفجار بودند. منافقین گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند. اگر نبود تدبیرهای این پیر فرزانه که سکان انقلاب را به دست گرفته بود، امام خمینی

که رحمت خدا بر او باد که امید از دست رفته ملت را زنده کند و روح تازه به ملت بدمد، نهضت شکست اما درست عکس آنچه که مخالفان و دشمنان برداشت می‌کردند با تدبیر امام رقم خورد، هرگاه ملتی و جماعتی در مقابل یک محنتی که بر آن جمع وارد شد بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل می‌شود به نعمت، این اتفاق دست‌های پلید دشمنان را رو کرد، چهره واقعی منافقان را به مردم نشان داد، شهادت این بزرگواران ملت را متحول کرد و مردم را بیدار کرد. هدف دشمن فلج کردن نظام اسلامی بود حذف نیروهای متعدد و متخصص؛ مهمتر از شهادت این بزرگواران خدمتی بود که این عزیزان به انقلاب و اسلام کردند، این شهدا و عملکرد آنان باید برای تمام مسئولین ما و جامعه ما الگو باشد، ما «شفتگان خدیمتن نه تشنگان قدرت» این درسی بود که بهشتی به ما داد، استکبار جهانی و آمریکا مایوس است از اینکه بتواند ملت ایران را منحرف بکند. آن زمانی که این نظام نهالی بود با این همه اتفاقات ناگوار و سهمگین ذره‌ای خم نشد، انشالله به حول قوه الهی، حال که به درختی تناور تبدیل شده است هیچکس نمی‌تواند تصور کنند و آن را به ذهن خود راه دهد، این انقلاب اسلامی به برکت خون بهترین عزیزانش زنده است و به لطف خداوند متعال به برکت مجاهدت‌های این بزرگواران و شهدا در بالاترین قله‌های پیشرفت و تمدن قرار خواهد گرفت.



روزنامه نیویورک تایمز از قدیمی‌ترین و معتبرترین روزنامه‌های آمریکا است.

نیویورک تایمز (The New York Times) که مرکز آن در شهر نیویورک قرار دارد، هر روزه به طور هم‌زمان در ایالات متحده آمریکا و در دیگر نقاط جهان، چاپ و منتشر می‌شود.

روزنامه نیویورک تایمز در سال ۱۸۵۱ میلادی در شهر نیویورک در ایالات متحده آمریکا آغاز به کار کرد و تاکنون موفق به دریافت دهها جایزه پولیتزر در دنیا شده است که از این لحاظ در میان دیگر روزنامه‌های جهان رکورده‌دار محسوب می‌شود.

روزنامه نیویورک تایمز متعلق به شرکت نیویورک تایمز است که مالک هجده روزنامه دیگر از جمله روزنامه اینترنشنال هرالد تریبیون و بوستون گلوب نیز هست.

این روزنامه از سال ۱۸۹۶ در مالکیت خانواده سالزبرگر قرار گرفت و رئیس هیئت مدیره کنونی کمپانی نیویورک تایمز یکی از اعضای این خانواده به نام آلن سولزبرگر جونیور است.

اعتبار و نفوذ روزنامه نیویورک تایمز در آمریکا به حدی است که از آن به عنوان «منبع ملی» یاد می‌شود. منبع ملی به روزنامه‌هایی اطلاق می‌شوند که در کتاب‌ها و نوشتارها، از پایگانی آن‌ها به عنوان مدرک و یادکرد منابع تاریخی یاد می‌شوند. (همشهری آنلاین)